

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن آلمان
۳ دسمبر ۲۰۰۸

کجکول گدایی

(نبیل) محترم ، ای با سیاده
شکایت هائی دارم ، صاف و ساده
نه از تو و نه از بینندگان
نه از برنامه سازان رشاده
فقط از یک دو سه برنامه داری
پی تکفیر این و آن فتاده
یکی با چادر و رومال و سر بند
دگر با کت و شلوار و لباده
یکی با ریش و پشم و نیکتایی
عرق چینی به فرق سر نهاده
یکی طفل صغیری را به پهلوی
که کجکول گدا ، دستش بداده
خلاصه این دو سه برنامه فوق
به پای زورگویی ایستاده
دلایل و منطق و برهان ایشان
غرض آلوده و پر از حساده
همیشه بیم و وحشت آفرینند
به چشم مردمان ، خاک و براده

به مکر و حيله و نيرنگ و تزوير
 ز احساساتِ ما ، سوء استفاده
 بجز از کينه و بغض و عداوت
 نياموزي ، ازين اهلِ بِلاده
 به هر دوغي ، مگس سازند خود را
 طناب و حلقه اي دارند و خاده
 گهي جنت ، گهي هم حور و غلمان
 سرِ مردم فروشند ، فوق العاده
 وگر نه ، گرزِ آتش ، مار و گژدم
 به جانش ، هم سواره ، هم پياده
 ويا ، بايد بپردازد به ايشان
 فقط ، اويرو و دالر ، بي اراده
 ضرورت نيست بر دينار و بر پوند
 ز انگليس و عرب ، گيرند زياده
 به هر قيمت ، خريداران وقتند
 به لجبازي ، ز هر يك بانژاده
 گهي تحقير و گه ، تحريم و تکفير
 دگر برنامه ها را از حساده
 شبي ديدم ، يکي از حزبِ راکت
 که در سر داشت ، افکارِ فلاده
 نشسته بود در پهلوي (وردک)
 خودش سواره ، ولي عقلش پياده
 اگرچه نام ، (حليم) و ، کام (تنوير)
 ز شاگردان (گلبدین) لاده
 تعجب کردم و گفتم ، خدايا
 چرا بنشسته جای خامه ، خاده
 به جای بلبلی ، ديدم زغن را
 که کاندید کرده خود را خیلی ساده
 به مردم وعده های چرب می داد
 که می باشد به زخمِ دل ، ضيماده

ولی غافل که ، مردم می شناسند
اجیرانی که هستند ، بی اراده
ز بهر کسب شهرت می فروشند
حدیث و آیه هارا ، فوق العاده
نه ترس و نه هراسی از خداوند
نه شرم از بنده های نیکزاده
کنون یک پرسشی هم از تو دارم
بده پاسخ به من ، ای با نژاده
تو بودی دشمن جنگ آفرینان
به راکتبار نکبتیار لاده
چرا ؟ لَینت عوض گشته عزیزم
مصاحب ، با اجیران نراده
ز بس چوتار و نرّاد است (تنویر)
سر استاد خود ، کلاه نهاده
تو هم دادی به او ، وقت گران را
که از (وردک) همی کرد استفاده
سیاست ، نه پدر دارد نه مادر
گهی سنگ و ، گهی چوب و براده
و « نعمت » بشنود ، از راه تی وی
ز جان و دل ، به حرفت گوش داده
